

تحدید السفر

حضرة الباب

نسخه اصل فارسی



تحدید السفر

"فی ان لا یحلّ السّفر لاحد الا اذا اراد بیت الله او بیت النّقطة بعد استطاعته او اراد ان یتجر او یرید ان یزور حروف الحیّ اذا استطاع علی الرّوح و الرّیحان او اراد ان ینصر احدا فی سبیل الله و من یجبر احد علی احد فی سفر و یدخل بیته بغير اذنه او یرید ان یمخرجه من بیته بغير اذنه حرم علیه زوجته تسعة عشر شهرا و ان یتعدّ احد عن ذلك الحکم و لم یعمل به فعلى شهداء البیان ان یأخذوا عنه خمس و تسعین مثقالا من ذهب حیث لا مردّ و اذا اراد ان یجبر احد علی احد فرض علی من علم او یطلع ان یحضر و یمنعه و ان علم و لم یحضر فیحرم علیه زوجته تسعة عشر یوما و لم یحلّ له بعد انقضاء التسعة و العشر الا و ان یأتی تسعة عشر مثقالا من ذهب ان استطاع و الا من فضة و ان لم یقدر علی الفضة فلیستغفر الله تسعة عشر مرّة الی ان یقدر و ینفق الی شهداء البیان لینفقوا علی من یؤذّن باعلی صوته ثمّ علی الفقراء و المساکین من اهل الدّین و الکتاب کلّ علی حسب شأنه و لا یسافر احد دون سفر الواجب من الحجّ او الحضور بین یدی النّقطة الا اذا اراد ان یزور او یتجر فلا ینبغی له ان یطولن ایام سفره و ان اراد ان یطول فعليه ان یرفعن ما یتعلّقن به من کینونیّة خلقت من ذاته او لا یطولن اکثر من ثمانية و ثلاثین شهرا الا لمن یتجر فی البحر فانّ له اذن علی قدر خمس و تسعین شهرا و لا یحلّ علیه فوق ذلك و من یتجاوز من ذلك الحدّین ان یقدر علیه ان ینفقن اثنی و مأتین من مثقال من ذهب و الا اثنی و مأتین مثقالا من الفضة. ملخص این باب آنکه اذن داده شده سفر بسوی بیت و مقعد نقطه اگر استطاعت از برای او باشد و زیارت مقاعد حیّ و تجارت و نصرت نفسی اگر خواهد و دون این اذن داده نشده و در تجارت هر گاه ما خلق عنه نزد او باشد بآسی نیست از برای او و اگر نبوده زیاده از دو حول در برّ اذن داده نشده الا آنکه سبیل آن قدر همین باشد که آنوقت از برای او اذن الله هست زیاده از آن و در بحر زیاده از پنج حول اذن داده نشده و مبدأ حساب از یوم خروج از بیت است تا دخول بر آن و اگر تجاوز نماید اگر مقتدر است دوپست و دو مثقال ذهب و الا از فضّه بر آن طوری که حکم شده داده باشد که از حدود الله هست و ثمره این حکم آنکه در یوم ظهور "من یظهره الله" در حین استماع سفر کند بسوی او و مقدّم داند بر آنچه در این باب ذکر شده زیرا اگر کلّ بیان از برای او است و اینکه بانی است از ابواب ظهور دین قبل او که در ظهور بعد آن اگر مجدّد نشود حکم ایمان نمیگردد و سفر جایز نیست الا بعد از استطاعت بر روح و ریحان الا در ظهور یوم قیامت که آن وقت واجب میگردد اگر چه بر نعلین باشد زیرا که از برای او خلق شد چگونه میتوان از ثمره وجود منفک شد اگر کسی ناظر باشد بخلق وجود خود و امر شده از برای کسی که داخل شود بیت کسی را بغير اذن او یا آنکه يك قدم او را در سفر مجبورا حرکت دهد یا آنکه او را از بیت خود بغير اذن او بیرون آورد بر اینکه نوزده ماه بر او حلال نیست اقتران و اگر کسی تعدّی کند از این حکم بر شهداء بیان فرض است که جزای



ORIGINAL

تعدی او نود و پنج مثقال ذهب در حقّ او حکم نمایند و هر نفسی که عالم شود جبر نفسی نفسی را بر او است که منع نماید و اگر تغافل ورزد نوزده یوم حلال نمیگردد بر او اقتران و بعد از انقضاء او نوزده مثقال ذهب اگر استطاعت دارد و الاّ از فضّه و اگر نه نوزده مرتبه استغفار کند که آن وقت حلال میگردد بر او اقتران و بعد از استطاعت احدهما بر او است اتفاق بسوی شهداء بیان که ایشان بر اهل احتیاج اتفاق کنند بر نفوس خود اگر مکلف دانند و الاّ بر مؤذنین و اهل احتیاج از مؤمنین در هر موقف که هست محمود است و ثمره این آنکه لعلّ در بیان بر نفسی غیر حقّی وارد نیاید لعلّ که عادت کلّ گردد و بر مقصود یوم ظهور او حزنی وارد نیاید که اگر نه از برای او بود حکمی بر هیچ نفسی نمی شد باستحقاق بلکه کلّ از بحر جود او هست که در زمره تکلیف بیرون میآید و الاّ اکثر را حدّ اهمال است زیرا که بعد از عرض تکلیف قبول امر الله نمی نمایند و خداوند در هر حال غنی بوده از خلق خود و دوست داشته و میدارد که کلّ با منتهای حبّ در جنّات او متصاعد گردند که هیچ نفسی بر هیچ نفسی بقدر نفسی حزنی وارد نیابد که کلّ در مهد امن و امان او باشند الی یوم القيمة که آن اول یوم ظهور "من یظهره الله" است و خداوند عالم هیچ نبی را مبعوث نفرموده و هیچ کجایی را نازل نفرموده مگر از کلّ اخذ عهد از ایمان بظهور بعد و کتاب بعد گرفته زیرا که از برای فیض او تعطیل و حدّی نبوده و در سفر بعد منازل ممنوع بوده و هست و هر قدر که منازل اقرب و اخف گردد عند الله محبوب تر است و اگر منزلی که توان یک روز رفت دو روز رود بر خدا است که مضاعف فرماید رزق او را و اگر در منزلی بر حیوانی مشقّت شود طلب نعمت میکند از خداوند بر مالک خود در هر حال باید ملاحظه نمود حدّ هر حیوانی را که بعد از ورود مالک او در بیان غیر از اخف از تحمل او بر او وارد نسازد که نفعی که از آن بر میدارد از برای او ثمری نمی بخشد و در سفر مراعات حال اضعف باید نمود در هر حال و آنچه مترتب کلفت و مشقّت است ممنوع بوده و هست الاّ سبل روح و ریحان بر مقادیری که من قبل الله مقدر شده و مراعات پیادگان در هر حال محبوب بوده و هست و اگر نفسی نفسی را در سبیل رضای حقّ یک قدم سوار کند ثواب یک حج در نامه عمل او نوشته میشود و کدام فضل است از این عظیم ترا اگر کسی موفق شود در سبیل خداوند و هرگاه سفر را کلّ مبدّل کنند بر روح و ریحان قطعه میگردد از قطع رضوان آنچه قبل حکم شده بواسطه احتجاب کلّ بوده که بملاحظه های نفع جزئیّه تعب بر نفس خود و دیگران وارد میآورند و الاّ اگر بر روح و ریحان میبود آن نوع حکم نمیشد و اسفار اعراب امروز شاهد است بر آن حکمی که قبل شده چنین کور درجه بدرجه ترقّی کند که کلّ نتواند زیاده از یک فرسخ سفر کرد و الله یحفظ من یشاء فی السبل بإذنه انه کان علی کلّ شیء حفیظاً"، البیان الفارسی، ۱۶: ۶

"فلا تسافرنّ إلاّ لله وأنتم تستطیعون إلاّ عند ظهور الحقّ، فإنّ علیکم أن تسافرنّ إلیه، فإنکم قد خلّقتم لذلك ولو أنتم بأرجلكم لتمشون ولیس علیکم فرضاً إلاّ زیارت البیت ثمّ مقعد "النقطة" إذا استطعتم ثمّ مقاعد "الحي" والمساجد إن تستطیعون وإن أردتم التجارة فلا تطولنّ فی البر إلاّ حولین ولا فی البحر إلاّ خمس حول وإن جاوز من أحد فلیؤتینّ قرینه إثنی وماتین مثقالاً من ذهب إن استطاع وإلاّ من فضة إلاّ [وأن] ترفعن قرینکم معکم لعلکم فی البیان نفساً لا تحزنون ومن یجبر أحداً فی سفر ولو کان قدماً، أو یدخل فی بیت أحد قبل أن یؤذن، أو یرید أن یرجعه من بیته بغیر إذنه، أو یطلبه من بیته بغیر حقّ فیحرم علیه زوجه تسعة عشر شهراً وإن یتجاوز من أمر الله فی ذلك من أحد، فعلى "شهداء البیان" أن یأخذ عنه خمس وتسعین مثقالاً من ذهب ومن أراد أن یجبر علی أحد فعلى من علم ویقدر ولو کان بعض السنة فرض أن یحضر بمنعه ومن لم یحضر بعد أن یقدر فیحرم علیه زوجه تسعة عشر ولا تحلّ علیه إلاّ وینفق تسعة عشر مثقالاً من ذهب إن یقدر وإلاّ من

فضّة، ذلك أن لا تظلم نفس في البيان ومن يرفع صوته بغير حقّ، يخرج من حدّ الإنسان، أن يا عبادي فاتّقون."، البيان العربي، ١٦ : ٦

"أن لا تسافرن إلّا لله وأنتم إلى من يظهره الله ومن يؤمن به لتسافرون وأنتم يأمركم ورق الأشجار تأخذون وتأكلون وبأرجلكم فوق الأرض تمشون وما فرض لكم إلّا البيت ثمّ مقعد النّقطة إذا أنتم بالعزّ والغناء تستطيعون ثمّ مقاعد الحيّ والمساجد أنتم بالفضل من عند الله تدركون وإذا أردتم التجارة فلترفعنّ قرينكم معكم إن تستطيعون وإذا قضى في البرّ حولين ثمّ في البحر خمس حول فليزمنكم اثنتين ومأتين مثقالا من الذهب إن تستطيعون وإلّا من فضّة إن تردّون إلى قرينكم لعلكم تتبعون واحدا في البيان لا تحزنون"، لوح هيكل الدين ١٦ : ٦

"لولا يحزن النّساء، لأنهيهن عن صعودهن لما يصعبن في السّبيل إلّا من يكن في أرض البيت فإنهنّ إذا شئن يدخلن البيت في اللّيل ثمّ على سرائرهنّ عند "مظاهر الواحد" يستون ويذكرن ربهنّ الذي خلقهن ثمّ إلى مساكنهن يرجعن وإن يراقبن حبّ أزواجهن وذريّاتهن خير لهنّ فلا تقرن ما تحزنن فإنكنّ قد خلقتن لأنفسكن ثمّ لذريّاتكن فلا تختارن الأسفار لتبتلين ولتشكرن الله بما تعفون والله علام حكيم"، البيان العربي، ١٩ : ٤

"قل ان الله ليعبدنكم عن مساكنكم لعلكم اياه تتقون فلا تسافرن الا الله وانتم الروح والريحان في سبلكم تشهدون وان بعدتم عن مساكنكم فلتكتبن الى الذين ينتظرونكم في كل واحد يوم كتاب عز محبوب ليقرن به عيونهن وعيونهم من عيونكم وعيونهن ذلك من فضل الله على الذين هم اوتوا البيان والذين هم بالله واياته مؤمنون"، كتاب الاسماء، بسم الله الابعث الابعث